

جایگاه قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف در حقوق کیفری ایران

فرشته محمد حسینی^۱، عاطفه لرجوری^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان (نویسنده مسئول)

چکیده

قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف به عنوان یک اصل فرا قانونی و برگرفته از حقوق رومی- ژرمنی است که دولتها را از تعقیب، محاکمه و مجازات مجدد همان اشخاص از ارتکاب همان جرم و همان سبب باز می‌دارد. به دنبال تحولات اعمال اصول صلاحیت شخصی، صلاحیت واقعی، صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و طبق نظریه‌های مشورتی این قاعده در مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص شرعی که با سکوت قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مواجه بود، پذیرفته شد. در مقاله حاضر، پس از بیان مفهوم و تحولات، جایگاه و مبانی قاعده مارالذکر و همچنین اشاره به نظرات موافقان و مخالفان و بررسی ابعاد مختلف حقوقی این قاعده، این نتیجه حاصل شده که با توجه با نص قانون مجازات اسلامی، سیاست کیفری ایران در مورد اجرای احکام صادره از دادگاه‌های خارجی موافق با قواعد و دکترین جزای بین‌الملل است، اما در خصوص جزایم تعزیری، قانونگذار ایران، اعمال قاعده منع مجازات مضاعف را با شرایطی و همچنین با احتساب محکومیت یا محکومیت‌های اجرا شده را با رعایت شرایطی پذیرفته است.

واژه‌های کلیدی: قاعده منع محاکمه، مجازات مضاعف، دادگاه کیفری، مجازات شرعی، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

مقدمه

یکی از اصول مترقی حقوق که در هم در حقوق بین‌الملل و هم حقوق داخلی بسیاری از کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است و جایگاه ویژه‌ای دارد «قاعده منع محاکمه مضاعف» می‌باشد. طبق این قاعده هر کس با ارتکاب عملی، هنجارهای جامعه را که در حقوق آن کشور، مورد حکم قرار گرفته است، نقض کند، مرتکب آن تنها یک بار باید محاکمه و مجازات شود. این اصل به عنوان یکی از اصول دادرسی منصفانه و از تضمین‌های بنیادین حقوق متهم و محکوم علیه به شمار می‌رود. چرا که یک بار رسیدگی نهایی به اتهام فرد و مجازات یا براءت وی همیشه و همه جا امکان محاکمه و مجازات مضاعف او را نفی خواهد کرد. بنابراین برخورداری از مزایای این قاعده، برخاسته از ذهن عدالت خواهانه نوع بشر و منطبق با قاعده ی انصاف است.^۱

پذیرش قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف در کشورهای مختلف دارای اهمیت یکسان نیست. بعضی از کشورها به لحاظ اهمیت خاصی که برای این قاعده قائل هستند آن را در سطح فرائقینی (قانون اساسی) و بعضی دیگر آن را در قوانین عادی و یا در رویه قضایی پیش بینی کرده اند. همچنین این قاعده در اسناد بین‌المللی و منطقه ای حقوق بشر مطرح شده است و در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، اعم از موقت، خاص و دائمی نیز پذیرفته شده است.

به طور کلی آزادی فردی، حمایت از افراد در برابر سوءاستفاده از قدرت دولت‌ها، حمایت از حقوق بشر، اصل عدالت، اصل تناسب اعتبار امر مختوم و نظم و آرامش اجتماعی از دیگر عوامل توجیهی این قاعده است. همچنین ضرورت حفظ منافع فردی و اجتماعی و لزوم تأمین امنیت قضایی شهروندان ایجاب می‌کند که کسی که یک‌بار محاکمه شده و حکم قطعی درباره او صادر شده است، بداند که دیگر مضاعفاً به دلیل همان موضوع مورد تعقیب و محاکمه قرار نخواهد گرفت.

اهمیت قاعده منع محاکمه مضاعف بر مبنای احترام به مقام و حیثیت انسانی و تضمین آزادی‌های فردی نه تنها در جریان دادرسی بلکه در زمانی که اعتبار امر مختومه کیفری در دعوی کیفری به مرحله قطعی می‌رسد آشکار می‌گردد، همچنین تمایلات جامعه و نظم مربوط به آن اقتضا دارد که تکلیف متهم از لحاظ مجرمیت یا عکس آن معلوم شود و حکم قطعی دادگاه خواه بر محکومیت، براءت یا تعقیب مضاعف چه در محاکم ملی و چه در محاکم بین‌المللی از نو آغاز نشود.

این قاعده که یکی از قواعد حقوق بشری در حقوق بین‌المللی کیفری است و در اغلب نظام‌های ملی به رسمیت شناخته شده است، هرگز در قوانین ایران به طور کامل انعکاس نیافته است. در حقوق کیفری ایران با توجه به نسخ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ با اصلاحات ۱۳۵۲ اجرای قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف در قانون مجازات اسلامی ایران دچار ابهام شده بود که در قوانین پس از انقلاب حذف شد. در مواد ۷ و ۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برای اولین بار پس از انقلاب

۱. فلاحیان، همایون، دیوان کیفری بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها، تهران، مجله ی کانون وکلا، شماره ۱۹۰، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷.

۲. ماده ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

«علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه:

الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبریته نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

پ- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.»

- ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

«هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبریته نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

ب- رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.»

اسلامی مضمون این قاعده در قانون مجازات اسلامی ایران بیان شده است. مفاد ماده ۵۳ نیز به نوعی به نفی این قاعده مربوط می‌شود. توضیح آنکه ماده ۷ به جنبه فاعلی اصل صلاحیت شخصی مربوط است و اعمال این اصل صلاحیتی را از جمله مشروط کرده است به اینکه «در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً در باره او اجرا نشده باشد.» ماده ۸ نیز ناظر به جنبه مفعولی اصل صلاحیت شخصی است که تعقیب شخص ایرانی به خاطر ارتكاب جرم علیه یک ایرانی در خارج از کشور از جمله مشروط شده است به اینکه: «متهم در جرایم قابل تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً در باره او اجرا نشده باشد.»

مواد مذکور در بیان قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف از جامعیت کافی برخوردار نیستند زیرا:

قاضی ایرانی فقط در مقام اعمال صلاحیت شخصی می‌تواند به این قاعده استناد کند. در ماده ۵ نیز که قانون‌گذار در مقام بیان اصل صلاحیت حمایتی است، تصریح شده است: «هرگاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند.» این به آن معنی است که در اعمال صلاحیت حمایتی مراجع قضایی ایران همواره ملزم به تعقیب و محاکمه شخص هستند، هرچند وی قبلاً به همین اتهام در کشور محل وقوع جرم یا توسط دولت متبوع خود یا دولت صالح دیگری محاکمه و مجازات شده باشد. دادگاه فقط ملزم است مجازات اعمال شده قبلی را محاسبه کند. شایسته است در این موارد نیز رسیدگی مراجع قضایی ایران محدود به مواردی شود که دادگاه‌های خارجی محاکمه صوری برپا نموده و مجازات نامتناسب اعمال کرده باشند.

همچنین فقط در جرایم تعزیری این قاعده رعایت می‌شود و در حدود، قصاص، دیات که تعطیل بردار نیستند اعمال نمی‌شود. در عین حال اعمال این قاعده فقط در صورتی پذیرفته شده که متهم در دولت محل وقوع جرم محاکمه شده باشد در غیر این صورت قاعده فوق اعمال نمی‌شود. یعنی اگر دولت صالح دیگری یا دیوان بین‌المللی کیفری یا مرجع کیفری بین‌المللی دیگری شخصی را محاکمه و مجازات کرده باشد، مراجع قضایی ایران به آن ترتیب اثر نمی‌دهند. البته با در نظر گرفتن قواعد فقهی مانند «لا ضرر» و «لا حرج» می‌توان قاعده منع محاکمه مضاعف را از نظر شرعی توجیه کرد.

۲. ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

«هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران.

ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن.

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور یا استفاده از آنها.

ت- جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها.

ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل.»

بیان مسأله

مقتضای عدالت آن است که هیچ‌کس برای یک جرم بیش از یک‌بار تعقیب، محاکمه و یا مجازات نشود. قاعده منع محاکمه یا مجازات مضاعف^۴ در همین راستا و به این معنا است که نباید یک شخص را برای یک جرم دو بار محاکمه یا مجازات کرد.^۵ برخوردار از مزایای این قاعده، برخاسته از ذهن عدالت خواهانه نوع بشر و منطبق با قاعده انصاف است. معمولاً اغلب دولت‌ها تمایل به اجرای قاعده منع مجازات (احتساب مجازات) دارند. این قاعده که یکی از قواعد حقوق بشری در حقوق بین‌المللی کیفری است و در اغلب نظام‌های ملی به رسمیت شناخته شده است، هرگز در قوانین ایران به طور کامل انعکاس نیافته است. در حقوق کیفری ایران با توجه به نسخ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ با اصلاحات ۱۳۵۲ اجرای قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف در قانون مجازات اسلامی ایران دچار ابهام شده بود که در قوانین پس از انقلاب حذف شد. در مواد ۷ و ۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی مضمون این قاعده در قانون مجازات اسلامی ایران بیان شده است. مفاد ماده ۵۷ نیز به نوعی به نفی این قاعده مربوط می‌شود. توضیح آنکه ماده ۷ به جنبه فاعلی اصل صلاحیت شخصی مربوط است و اعمال این اصل صلاحیتی را از جمله مشروط کرده است به اینکه در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد. ماده ۸ نیز ناظر به جنبه مفعولی اصل صلاحیت شخصی است که تعقیب شخص ایرانی به خاطر ارتكاب جرم علیه یک ایرانی در خارج از کشور از جمله مشروط شده است به اینکه متهم در جرایم قابل تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً در باره او اجرا نشده باشد. مواد مذکور در بیان قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف از جامعیت کافی برخوردار نیستند زیرا:

۴. Ne Bis In Idem, Non Double Jeopardy

۵. فضایی، مصطفی، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۷.

۶. ماده ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

«علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه:

الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

پ- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.»

- ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

«هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

ب- رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.»

۷. ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

«هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران.

ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن.

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس جمهور یا استفاده از آنها.

ت- جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها.

ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادرشده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل.»

قاضی ایرانی فقط در مقام اعمال صلاحیت شخصی می‌تواند به این قاعده استناد کند. در ماده ۵ نیز که قانون‌گذار در مقام بیان اصل صلاحیت حمایتی است، تصریح شده است: «هرگاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند.» یعنی در اعمال صلاحیت حمایتی مراجع قضایی ایران همواره ملزم به تعقیب و محاکمه شخص هستند هرچند وی قبلاً به همین اتهام در کشور محل وقوع جرم یا توسط دولت متبوع خود یا دولت صالح دیگری محاکمه و مجازات شده باشد. دادگاه فقط ملزم است مجازات اعمال شده قبلی را محاسبه کند. شایسته است در این موارد نیز رسیدگی مراجع قضایی ایران محدود به مواردی شود که دادگاه‌های خارجی محاکمه صوری برپا نموده و مجازات نامتناسب اعمال کرده باشند.

همچنین در مورد دایره شمول و حیطة اجرای این قاعده براساس موازین اسلامی موافقان و مخالفان فراوانی وجود دارد، گروهی معتقدند: «در جرایم تعزیری این قاعده رعایت می‌شود و در حدود، قصاص، دیات که تعطیل بردار نیستند اعمال نمی‌شود. در عین حال اعمال این قاعده فقط در صورتی پذیرفته شده که متهم در دولت محل وقوع جرم محاکمه شده باشد در غیر این صورت این قاعده اعمال نمی‌شود. یعنی اگر دولت صالح دیگری یا دیوان بین‌المللی کیفری یا مرجع کیفری بین‌المللی دیگری شخصی را محاکمه و مجازات کرده باشد، مراجع قضایی ایران به آن ترتیب اثر نمی‌دهند.» در مقابل گفته می‌شود: در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این قاعده به عنوان یکی از شرایط اعمال اصول صلاحیت شخصی و صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه و صرفاً در قلمرو مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص شرعی پذیرفته شده است. ظاهراً تدوین‌کنندگان این قانون پذیرش این قاعده را در قلمرو مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی مغایر با موازین اسلامی دانسته‌اند، در حالی که از توجه دقیق به آموزه‌های اسلامی از جمله ویژگی انعطاف‌پذیری احکام اسلامی، وجود قاعده فقهی ملازمه بین حکم عقل و شرع و نیز قواعد فقهی لاجرح و لاضرر می‌توان به عدم استحکام این عقیده پی‌برد.^۸

اهمیت انجام پژوهش

قاعده منع تعقیب مضاعف براساس فکر و اندیشه مضاعف، در منافع فردی و نیز ضرورت‌های اجتماعی قابل توجیه است. مبنای اهمیت فردی آن احترام به مقام و حیثیت انسانی و تضمین آزادی‌های فردی نه‌تنها در جریان دادرسی بلکه زمانی که دعوی کیفری به مرحله نهایی و قطعی نایل می‌شود و همچنین تأثیر در اصطلاح و تربیت بزهکار است. اعتماد افراد به این که دعوی کیفری به طور مسلم و با قاطعیت رسیدگی و حل و فصل شده و مطلقاً در طول زندگی به همان اتهام سرنوشت و آینده او متزلزل نخواهد گردید، به گونه‌ای که در سیاست کیفری مطلوب و تحکیم قدرت دستگاه قضایی موثر و نافذ خواهد بود. از سوی دیگر تمایلات جامعه و نظام مربوط به آن اقتضا دارد که تکلیف نهایی متهم از لحاظ مجرمیت یا عکس آن معلوم شود. حکم قطعی دادگاه خواه بر محکومیت، براءت و یا تعقیب مضاعف، از نو آغاز نگردد. نظم عمومی و آرامش جامعه نیاز دارد که هر دعوی مطروحه در مراجع قضایی روزی مختومه گردد. احترام به رأی دادگاه و جلوگیری از احکام متناقض با نظم عمومی ارتباط پیدا می‌کند و طرفین نمی‌توانند آثار آن را از بین ببرند، زیرا حفظ حیثیت محاکم از امور خصوصی و منافع افراد نیست. منافع جامعه اقتضا دارد حق طرح دعوی تنها یک‌بار قابل اعمال باشد و اغراض خاص طرفین دعوی نباید قادر به اخلال در این نفع عمومی باشد. تلاقی اندیشه سرزمینی بودن محدوده اعمال قانون و مجازات با ایده وابستگی افراد به یک دولت و حاکمیت (که بعدها در مفهومی تحت عنوان تابعیت مطرح گردید) و اهمیت دولت‌ها به اعمال و رفتارهای اتباع خود در قلمرو سایر

^۸ پوربافرانی، حسن، فاطمه بیگی، حسن، اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در جرایم مستوجب مجازات‌های شرعی، ۱۳۹۲، ص ۷۳.

کشورها منجر به ایجاد مسئولیت کیفری و مؤاخذه و مجازات اتباع به دلیل ارتکاب برخی افعال مجرمانه در خارج از قلمرو سرزمینی و پذیرش آن در نظام کیفری اکثر دولت‌ها گردیده است و باعث شده تا به تدریج، زمینه و بستر ایجاد مفهومی تحت عنوان مجازات مضاعف در حقوق کیفری میان حاکمیت‌ها نیز پدید آید و بعدها تحت عنوان مجازات مضاعف در مفهوم بین‌المللی مطرح گردد. اما در حالت کلی قاعده (منع تعقیب مضاعف) امروزه ارزش بین‌المللی مبهمی دارد و برخی کشورها در مواردی که با وجود یک عنصر فرامرزی در جرم، یک سوبه و بدون هماهنگی ترتیبات منطقی و لازم صلاحیت سرزمینی و صلاحیت قانون جزای خود را تعریف و مشخص می‌سازد این قاعده را نادیده انگاشته و آن را چنین توجیه می‌کند که بیم آن می‌رود که حکم خارجی نسبت به جرمی که مستقیماً محل نظم عمومی باشد و یا ساده، خفیف و بی‌تاثیر باشد بیمی که در اصل توجیه پذیر هم هست چون مقرراتی وجود دارد که ضمن ایجاد ابرازهای عدالت کیفری بین‌المللی همان خطر را ملحوظ و مدنظر قرار می‌دهند و در واقع اجازه می‌دهند در موارد بی‌اعتمادی و سو ظن قاعده (منع تعقیب مضاعف) را کنار بگذاریم.

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات فنی و تخصصی

- منع محاکمه مضاعف:

یکی از واژه‌های عمده قوانین کیفری، درون مرزی بودن آنها است. اما این امر به معنای عدم صلاحیت دادگاه‌های یک کشور برای رسیدگی به برخی جرایم ارتکاب یافته در خارج از قلمروی حاکمیت آن کشور نیست. با ارتکاب جرم «بر اساس اصل حاکمیت» پیش از هر دولت دیگری، دولت محل وقوع آن جرم، امر تعقیب، محاکمه و مجازات مجرم را دنبال میکند. پذیرش این قاعده، ضمن آنکه هیچ مغایرتی با موازین حقوق بین‌الملل ندارد حتی در موارد بسیاری میتواند پشتوانه حقوقی برای اقدامات سیاسی دولت‌ها به شمار آید.

- تعدد تعقیب (نظام‌های حقوقی ملی)

هر جامعه‌ای دارای هنجارهایی است که در قالب مجموعه‌ای به نام «حقوق موضوعه» گردآوری شده است و در حقوق کیفری، نقض این ارزشها جرم تلقی می‌شود و مرتکب آن باید ضمانت‌های ترمیمی و کیفری را تحمل کند. کشوری که می‌خواهد مرتکب جرمی را محاکمه نماید و برای بار دوم مورد محاکمه قرار دهد باید این دو نکته را مد نظر بگیرد:

الف) کشوری که پیش از این به موضوع رسیدگی کرده است، ممکن است بیشتر از دیگران برای اعمال عدالت دغدغه و نگرانی داشته باشد.

ب) حق تعقیب و محاکمه مضاعف و در صورت لزوم، اعلام ضمانت کیفری جدید در مورد شخصی که قبلاً مورد محاکمه قرار گرفته است: این حق را برای کشور دوم ایجاد نمی‌کند که مجازات مقرر در قانون خود را بدون در نظر گرفتن مجازاتی که در حکم اول تعیین شده، اعمال نماید.

معنی اصطلاحی و مفهوم قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف

برای نمونه، برخی از حقوق دانان و نویسندگان داخلی در بیان مفهوم قاعده ممنوعیت مجازات مضاعف چنین نوشته‌اند: «مجرم صرفاً یک بار قابل مجازات است و مضاعفاً نمی‌توان او را پس از تعقیب و محاکمه مضاعف، مورد مجازات مضاعف قرار داد».^۹ همچنین در تعریف دیگری از قاعده یادشده، یکی دیگر از اساتید حقوق جزا می‌نویسد: «وجود اصل منع تعقیب و مجازات مضاعف در جرایم ایجاب می‌کند که از تعقیب و مجازات کسانی که در خارج از کشور تعقیب و محاکمه و مجازات شده‌اند و حکم قطعی نیز درباره آن‌ها صادر شده و حکم نیز به مرحله اجرا درآمده است و یا به علت قانونی قدرت اجرائی را از دست داده است خودداری شود. مطابق این اصل برای اعمال مجازات در قلمرو دولت متبوع می‌بایست متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده باشد و یا در صورت محکومیت مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اعمال و اجرا نشده باشد».^{۱۰}

روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی و بهره بردن از مقالات موجود در نشریه‌ها و مجله‌های تخصصی تلاش شده است، ابتدا تمامی داده‌های موجود در زمینه موضوع مورد نظر پژوهش گردآوری شده و در ادامه این داده‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرند. در این روش منابع اصلی مورد استفاده، کتب مرجع و تخصصی در زمینه موضوع مورد مطالعه و مجموعه‌های حقوقی، مجموعه قوانین و مقررات و مقالات علمی-تخصصی منتشر شده در نشریات تخصصی است. همچنین تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی و استدلالی انجام خواهد گرفت.

قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف در حقوق داخلی (ایران)

در نظام حقوقی و ادوار مختلف قانون گذاری ایران قانون گذار در پذیرش اعمال یا منع مجازات به تفکیک قبل و بعد از انقلاب اسلامی نظرات مختلفی داشته است. در این راستا، نگاهی اجمالی به سابقه تاریخی استعمال عبارات مجازات یا کیفر مضاعف و عبارات محاکمه مجدد یا مضاعف در عنوان و متن قوانین مصوب مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی، نشانگر آن است که عبارت مجازات مضاعف، هر چند در متن برخی قوانین به کار رفته است، لکن اغلب مفهوم تشدید مجازات را داشته و در هیچ یک از دو مفهوم داخلی و بین‌المللی مجازات مضاعف استعمال نشده و تنها در متن چند قانون داخلی مصوب قبل از انقلاب و چند مورد از توافق نامه‌های معاضدت قضایی بین ایران و کشورهای منطقه در سال‌های اخیر قانون گذاری به کار رفته است.

اگر چه این قاعده در سال ۱۳۵۲ در قانون مجازات عمومی وارد شد، ولی بعد از انقلاب از قوانین مجازات اسلامی حذف شد. در لایحه مجازات اسلامی که در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان رسید، قانون گذار در این خصوص به قانون ۱۳۵۲ رجعت نموده است. مندرجات مربوط ضمن اینکه قدم مثبتی در پذیرش این قاعده تلقی می‌شود، ایراداتی نیز دارند که در ادامه ی پایان نامه تحلیل خواهد شد.

^۹ پوریافرانی، حسن، ۱۳۸۱، ص ۷۸.

^{۱۰} محسنی، مرتضی، بی تا، ص ۴۰۲.

این قاعده هرگز در قوانین ایران به طور کامل انعکاس نیافته است. اولین بار در سال ۱۳۵۲ و در ماده ۳ قانون مجازات عمومی وارد شد. سپس در قوانین پس از انقلاب کلاً حذف شد، تا اینکه در سال ۱۳۸۶ لایحه مجازات اسلامی از سوی قوه قضائیه تهیه و به دولت ارجاع شد که پس از تصویب آن در دولت، آذرماه ۱۳۸۶ لایحه به مجلس فرستاده شد و مجلس نیز بهار ۱۳۹۰ برای تأیید به شورای نگهبان ارسال نمود که پس از بحث و جدل‌های بسیار بین مجلس و شورای نگهبان در نهایت در جلسه ۲۸ دی ۱۳۹۰ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت اما بنا به دلایلی لازم الاجرا نشد تا اینکه بالاخره در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ به تأیید شورای نگهبان رسید. این قاعده تقریباً به همان شکل که در قانون ۱۳۵۲ آمده بود، در قانون ۱۳۹۲ نیز تدوین شده است.

بیان چند نکته در مورد شرایط و جزئیات اعمال این قاعده ضروری به نظر می‌رسد:

الف) این قاعده فقط در مورد «حکامی» که از دادگاه صادر می‌شوند و در اثر عدم اعتراض یا پس از تجدید نظر خواهی در دادگاه بالاتر قطعی می‌شوند، قابل اجراست. اگر دادسرا قرار نهایی از قبیل قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب صادر کند، مشمول این قاعده نیست؛ ولو اینکه در پی اعتراض ذینفع به دادگاه ارسال و در دادگاه قطعی شود. چون رسیدگی دادگاه تابع تشریفات است که باید رعایت شود و حداقل استانداردهای بین‌المللی در آن رعایت می‌شود. مثلاً طرفین حق حضور و دفاع در محاکمه علنی و حق انتخاب وکیل دارند، از اتهام و اوراق پرونده اطلاع کامل دارند، می‌توانند از شهود سوال کنند ولی دادسرا مقید به این اصول و تشریفات نیست.

ب) این قاعده فقط در صورتی که حکم «قطعیت» یافته باشد قابل اجرا است. بنابراین، اگر پرونده در جریان رسیدگی باشد، هر چند دادگاه بدوی رای خود را صادر نموده و پرونده در جریان تجدید نظر است، این قاعده اعمال نمی‌شود. بر خلاف نظام حقوق کیفری داخلی که به یک اتهام نباید همزمان در دو مرجع رسیدگی کرد، در نظام بین‌المللی اعمال قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد محدود به موردی است که حکم قطعیت یافته باشد. البته در خصوص دیوان بین‌المللی کیفری وضعیت متفاوت است؛ یعنی اگر دول عضو دیوان شروع به رسیدگی کرده باشند، دیوان رسیدگی نمی‌کند و یا اگر دیوان شروع به رسیدگی کرده دول عضو باید همکاری کنند و هم زمان رسیدگی صورت نمی‌گیرد. (ماده ۱۷ و فصل ۹ اساسنامه دیوان).

ج) این نهاد یا قاعده شباهت زیادی با امر مختوم کیفری در حقوق داخلی دارد. اشتراک در برخی شرایط از قبیل وحدت موضوع اتهام (عمل ارتكابی) و شخص متهم و ضرورت وجود حکم قطعی موجب می‌شود، قاعده منع محاکمه تجلی قاعده امر مختوم در صحنه بین‌المللی تلقی شود و لذا برخی نویسندگان در بیان مبنای این قاعده به تشریح همان قاعده اعتبار امر مختوم کیفری پرداخته‌اند. ولی باید توجه داشت که این دو قاعده از دو فلسفه کاملاً متفاوت ناشی می‌شوند، اعتبار امر مختوم کیفری در تحلیل نهایی ناشی از حاکمیت دولت است؛ یعنی تمامی دادگاه‌ها در یک کشور ابزارهای اعمال حاکمیت هستند. وقتی یک دادگاه اعمال حاکمیت کرد، بقیه باید احترام بگذارند. در حالی که چنین بحثی در قاعده منع محاکمه نیست؛ بلکه مساله از باب رعایت حقوق بشری شخص متهم مورد توجه است؛ زیرا عادلانه نیست شخص به خاطر یک عمل چند بار محاکمه یا مجازات شود. به عبارت دیگر، اعتبار امر مختوم، تأکید بر احترام و اعتبار دادن توسط هر یک از اعمال کنندگان حاکمیت به تصمیمات سایر ابزارهای اعمال حاکمیت دولت یعنی مراجع قضایی می‌باشد. ولی در قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، تأکید بر رعایت حقوق بشری افراد و خودداری از تکرار محاکمه و مجازات برای جرم واحد است.

د) قاعده منع «محاکمه» و «مجازات» مجدد در حقوق بین‌المللی کیفری هم در مورد محاکمه و تبرئه قطعی اجرا می‌شود و هم در موردی که محکومیت قطعی یافته و مجازات در مورد شخص به طور کامل اجرا شده باشد. اگر شخص محاکمه شده و به

صورت قطعی تبرئه شده است؛ در این مورد منع «محاكمه» مجدد کاربرد دارد؛ چون شخص مجازات نشده تا اعمال مجازات مجدد ممنوع شود. ولی اگر شخص محکومیت قطعی یافته و مجازات را نیز تحمل نموده، در این صورت منع «مجازات» مجدد معنی پیدا می کند. بیان این مطلب به مفهوم جواز «محاكمه» مجدد نیست؛ بلکه چون نتیجه نهایی محاکمه می تواند اعمال مجازات باشد، با منع مجازات به طریق اولی بر پای محاکمه نیز بی مفهوم است. بدیهی است که اگر در چنین موردی نیز صرفاً «محاكمه» مجدد منع شود، نتیجه حاصل می شود. بنابراین ممکن است تصور شود که عبارت منع «محاكمه» مجدد کافی و جامع است و نیازی به بیان منع «مجازات» مجدد نیست. باید تاکید کنیم که چنین عبارتی کافی و مانع نخواهد بود؛ زیرا اگر شخص محاکمه شده و محکومیت قطعی به تحمل مجازات یافته ولی در پی فرار یا هر عامل دیگری مجازات در مورد وی به موقع اجرا گذاشته نشده است، محاکمه مجدد و مجازات وی جایز است. همچنین اگر شخص محاکمه شده و اراده واقعی بر محاکمه و مجازات عادلانه وی وجود نداشته و فقط جهت رهنابیدن وی از مسئولیت و کیفر مناسب صورت گرفته و مجازات بسیار خفیف و نامتناسبی اعمال شده، محاکمه و مجازات مجدد وی جایز است و نهایتاً مجازاتی را که شخص برای ارتکاب همان عمل متحمل شده باید ملحوظ و کسر شود.

لازم به تاکید است که میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی جامع ترین سند بین المللی حقوق بشری لازم اجرا تلقی می شود که در سال ۱۹۶۶ تدوین و از ۲۳ مارچ ۱۹۷۶ لازم الاجرا گردیده است. این میثاق قبل از انقلاب به تصویب ایران نیز رسیده است و در تاریخ ۲۴ جون ۱۹۷۵ سند تسلیم آن تودیع شده و به آن متعهد هستیم.

به علاوه مطابق بند ۱- الف ۱۷ اساسنامه اگر دولت صالحی شروع به تحقیق یا تعقیب در موردی نموده باشد، دیوان شروع به رسیدگی نمی کند. اگر چه جمهوری اسلامی ایران اساسنامه دیوان را فقط امضا کرده ولی تصویب نکرده است، ولی به عنوان یک سند جامع که حدود دو سوم دول جهان آن را تصویب کرده اند می تواند نمایانگر قواعد عرفی بین المللی باشد.

همان طور که ذکر شد پذیرش این قاعده در حقوق ایران تاریخچه پرفراز و نشیبی داشته است. اولین بار در سال ۱۳۵۲ در ماده ۳ قانون مجازات عمومی این قاعده وارد شد. به این صورت که قانون گذار در بند ۳ ماده ۳ جنبه فاعلی اصل صلاحیت شخصی را مقید به شرایطی پذیرفت که شرایط سوم از این شرایط مقرر می داشت: «در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده باشد یا در صورت محکومیت مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد». در قوانین راجع به مجازات اسلامی (۱۳۶۱) و قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) ذکری از این قاعده به میان نیامد. لیکن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز این قاعده تقریباً به همان شکل و با همان ایرادات ماده ۳ قانون ۱۳۵۲ به تصویب رسید که به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

در رویه ی قضایی موجود علی رغم عدم وجود این قاعده در قوانین موجود، در غیر حدود، قصاص و دیات در صورتی که شخص در محاکم خارجی محکومیت یافته و مجازات شده باشد این قاعده اعمال می شود که مبتنی بر برخی نظرات اداره حقوقی نیز است.^{۱۱} بر این اساس «چنانچه متهم در اتریش دستگیر و محاکمه گردیده و حکم صادره نیز در مورد وی اجرا شده باشد، تعقیب مجدد وی در ایران به همان اتهام خلاف اصول کلی دادرسی کیفری می باشد. ولی چنانچه حکم قطعی در مورد وی صادر نشده و یا اجرا نشده باشد طبق ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در صورتی که در ایران دستگیر شود قابل تعقیب و مجازات می باشد». با این حال، این نظریات و رویه قضایی فقط محدود به مواردی هستند که شخص محکومیت قطعی یافته و مجازات نیز اجرا شده باشد و در شرایط موجود جای خالی قانونی که به

^{۱۱} برای نمونه می توان به نظریه های شماره ۷/۵۴۰-۱۳۶۸/۵/۹-۷/۵۳۰، ۱۳۷۲/۹/۷-۷/۴۲۲، ۱۳۷۶/۸/۱۸-۷/۴۲۲ و ۷/۲۲۵۵-۱۳۷۷/۱۱/۲۹ می توان اشاره کرد که همگی تقریباً به یک شکل اجرای قاعده را در جرایم تعزیری در مواردی که شخص مجازات شده، تایید می کنند.

صراحت این قاعده و شرایط اعمال آن را بیان دارد، کاملاً مشهود است. موارد فوق در دو بخش به بررسی جایگاه قاعده قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران می پردازد.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

عبارت «محاكمه مجدد» برای اولین بار در ماده ای از قوانین موقتی اصول در محاکمات حقوقی^{۱۲} و ذیل مبحث ششم قانون مذکور با عنوان «در توقیف و تعقیب و بطلان محاکمه»، در معنایی از مفهوم خاص مورد بحث در این پایان نامه به کار رفت.^{۱۳} همین عبارت در ماده ۱۴ قانون رسیدگی به شکایات از احکام صادره از محاضر شرعیه^{۱۴} نیز به معنای محاکمه مجددی که در اثر وارد دانستن اعتراض بر حکم صادر شده صورت می گیرد، استعمال شد که باز هم با مفهوم فراملی مجازات مضاعف تناسبی نداشت.

اما مفهوم فراملی مجازات مضاعف، ظاهراً با روی کرد پذیرش اعمال مجازات مضاعف، برای نخستین بار در ادبیات قانون گذاری کشور، در ماده ۲۰۰ قانون محاکمات جزایی^{۱۵} (آیین دادرسی کیفری) با الحاقات و اصلاحات بعدی به کار رفت که در خصوص صلاحیت محاکم رسیدگی کننده به جرائم ارتكابی توسط اتباع ایران در کشور خارجی مقرر می داشت: «هر گاه یکی از تبعه ایران در خارجه مرتکب جنحه یا جنایتی شده و در ایران به دست بیاید در محکمه ای محاکمه می شود که در حوزه او مقصر را یافته اند».^{۱۶}

همین مفهوم از مجازات مضاعف این بار با روی کرد منع اعمال مجازات مضاعف در اصلاحات قانون مجازات عمومی مطرح شد؛ با این توضیح که در جریان تصویب قوانین جزایی ایران به ویژه قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، اصول صلاحیت حقوق داخلی و حقوق کیفری بین المللی ذکر نشده بود، لکن متعاقب اصلاحات مصوب ۱۳۵۲/۳/۷ قانون مجازات عمومی که متأثر از تغییرات و اصلاحات به عمل آمده در قانون جزای فرانسه بود، قانون گذار ضمن بیان مصادیق و موارد صلاحیت کیفری و اصل صلاحیت شخصی، در بند «ه» ماده ۳ مقرر کرد: «در غیر موارد مذکور در بندهای «ح» و «د»، هر ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی ایران مجازات خواهد شد، مشروط بر اینکه در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده باشد یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً دربارہ او اجرا نشده باشد».

همچنین پس از تصویب میثاق بین المللی حقوق مدنی - سیاسی و در جریان عضویت و الحاق کشورها به آن، ایران نیز با تصویب قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷ رسماً به کنوانسیون مذکور ملحق شد و مفاد این کنوانسیون نیز با توجه به مفاد ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون (داخلی) محسوب شد. بند ۷ ماده ۱۴ این میثاق مقرر می دارد: «هیچ کس را نمی توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادر شده طبق قانون آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب یا مجازات قرار داد».^{۱۷} بنابراین با الحاق ایران به کنوانسیون مذکور، روی کرد ممنوعیت اعمال مجازات مضاعف که قبلاً در جریان اصلاح قانون مجازات عمومی با شرایط خاصی پذیرفته شده بود، به عنوان یک تعهد فراملی در نظام قانون گذاری کشور تثبیت شد.

^{۱۲} - مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۱۹ ذی القعدة ۱۳۲۹ قمری مصادق با ۱۸ اذرماه ۱۲۹۰ شمسی

^{۱۳} - منظور از محاکمه و مجازات مضاعف به طور خاص در این پایان نامه کلیه ی مراحل دادرسی کیفری را مد نظر قرار می دهد.

^{۱۴} - مصوب ۱۳۰۴/۱/۲۱ کمیسیون عدلیه

^{۱۵} - مصوب نهم رمضان ۱۳۳۰ قمری (مصوب ۱۲۹۱ شمسی)

^{۱۶} - پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همین ماده با اندک تغییراتی در قالب ماده ۵۷ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ تکرار شده است.

^{۱۷} - متن ترجمه ماده از متن قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷

در خلال مرور رویه قانون گذار در خصوص موضوع، مرور برخی از متون حقوقی از جمله نظریات مشورتی اداره کل حقوقی دادگستری نیز قابل توجه است. نگاهی به سابقه این نظریات نشانگر آن است که موضوع مجازات مضاعف قبل از راه یافتن به متون قانونی و مقررات مصوب مجلس شورای ملی، در نظریات مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین دادگستری سابق نیز مورد توجه قرار گرفته و مطرح شده است.

اولین نظریه مشورتی آن اداره کل در این خصوص، به سال ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ظاهراً به نظریه مورخ ۱۳۴۵/۸/۱۱ مربوط می شود که مفاهیم محاکمه مجدد و مجازات مضاعف کاملاً در آن مطرح شده است. متن نظریه مذکور به این شرح است: «با توجه به اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی که ناشی از حق حاکمیت دولت ها استف متهم خارجی که در ایران مرتکب جرم شده است، به هر حال در ایران قابل تعقیب است. با وجود این، هر گاه شخص مزبور به علت ارتکاب آن جرم در کشور متبوع خود محکوم و متحمل مجازات شده باشد و آن مجازات با مجازاتی که ممکن است از طرف محاکم ایرانی درباره او تعیین شود قابل احتساب باشد، برای احتراز از این که مجرم بابت یک جرم، متحمل دو مجازات شود مجازات اجرا شده باید احتساب شود».^{۱۸} همان طور که از متن نظریه پیدا است، مبنای پذیرش محاکمه مجدد، حق حاکمیت دولت ها و اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی بوده و نظریه احتساب مجازات اعمال شده قبلی در کشور خارجی در محاکمه مجدد نیز در محاکم ایران پذیرفته شده است.

متعاقباً نظریه دیگری نیز در همین رابطه در سال های قبل از انقلاب از اداره کل یاد شده و در پاسخ به استعلام یکی از مراجع قضایی به این شرح صادر شده است: «... گر چه طبق ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، اتباع ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شده باشند در محکمه ای که مقصر در آن یافت شده قابل تعقیب می باشند، ولی بر طبق اصول اساسی و مسلم حقوق جزا، اجرای این ماده منوط به آن است که قبلاً موضوع منجر به صدور حکم قطعی نشده باشد. در غیر این صورت با وجود اصل منع تعقیب مجدد که از نظر بین المللی مورد قبول واقع شده و در ماده ۲ قانون جلوگیری از نشریات مستهجن^{۱۹} نیز در مورد تصویب مکتب ایرانی قرار گرفته است، موجبی برای تجویز محاکمه مجدد وجود ندارد...».^{۲۰} به معنای پذیرش منع محاکمه مجدد در این نظریه، در حقیقت التزام به اصول حقوق کیفری بین المللی بیان شده است.

بنابراین، موضوع مجازات مضاعف با روی کرد ممنوعیت اعمال آن، قبل از انقلاب اسلامی، هم در قوانین ماهوی و هم در قوانین شکلی و هم نظرهای مشورتی اداره حقوقی از دیرباز مورد توجه قرار گرفته است. قانون گذار در جریان اصلاحات قانون مجازات عمومی با بیان موضع صریح خود در خصوص مجازات مضاعف، اعمال صلاحیت شخصی محاکم خود را محدود به مواردی کرد که متهم در محل وقوع جرم (کشور خارجی) محکوم یا تبرئه نشده و تمام مجازات یا قسمتی از آن درباره او اجرا نشده باشد. در این صورت، دادگاه های ایران حکم صادر شده از دادگاه های خارجی را شناسایی کرده، به لحاظ رسیدگی قبلی و صدور حکم محکومیت یا برائت که منتهی به اعتبار امر مختوم شده است، صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی در خارج از کشور را نخواهد داشت.

^{۱۸} - حجتی، باری، بی تا، ص ۴۷.

^{۱۹} - در سوابق قانونگذاری ایران با عناوین مشابه قانون مندرج در نظریه اداره حقوقی، صرفاً دو قانون ذیل مشاهده می شود: (۱) قانون تصویب قرارداد بین المللی برای جلوگیری از اشاعه و معامله نشریات مستهجن و اجازه میادله نسخه صحه شده آن مصوب ۴ آبان ماه ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی، ماده واحده مزبور که در پی امضای قرارداد مذکور در ۲۰ سنبله ۱۳۰۲ (۱۲ سپتامبر ۱۹۲۳) تصویب شد، صرفاً مشتمل بر یک ماده بوده و چنین موردی در آن رویت نشد؛ (۲) قانون اجازه الحاق دولت ایران به پروتکل های اصلاحی قراردادهای مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ و ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به منع فحشا و قرارداد ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به جلوگیری از اشاعه نشریات منافی عفت و مستهجن مصوب ۱۸ آذرماه ۱۳۳۷ مجلسین شورای ملی و سنا که مشتمل بر یک ماده واحده و متن پروتکل های اصلاحی است. لکن به نظر می رسد، نه ماده ۲ و نه سایر مواد پروتکل ها با اصل مذکور ارتباطی ندارند.

^{۲۰} موسوی، عباس، حقوق جزای عمومی، ص ۶۳.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در این قسمت جایگاه قاعده منع مجازات مجدد پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قوانین مجازات اسلامی، آیین دادرسی کیفری، موافقت نامه های قضایی و نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه مورد بررسی قرار می گیرد.

قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری

قانون گذار پس از انقلاب اسلامی ایران، در تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی و قوانین قانون گذار اسلامی سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، مقررات مندرج در ذیل ماده ۳ قانون مجازات عمومی سابق را حذف و عبارات ماده ۳ قانون سابق را به صورت ناقص در قالب مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۵/۸) ذکر کرد و موضوع مجازات مضاعف را عملاً مسکوت گذاشت. در همین راستا قانون گذار، سال ها بعد در قانون آیین دادرسی کیفری و بیان صلاحیت دادگاه ها، حکم مقرر در ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری سابق^{۲۱} را با اندک تغییراتی در ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸) احیا و مقرر کرد که رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط اتباع ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که در ایران دستگیر شده باشند، در صلاحیت دادگاهی است که متهم در حوزه قضایی آن دستگیر شده باشد؛ لکن این دیدگاه قانون گذار در خصوص مجازات مضاعف در قالب تبصره ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب، با شناسایی محدود اعتبار احکام خارجی، اندکی تغییر پیدا کرد: «در موارد مذکور در ماده قبل، هر گاه حکم صادر شده، ولی اجرا نشده باشد، پس از انقضای موارد مقرر در همان ماده از تاریخ قطعیت حکم، اجرای آن موقوف می گردد و در هر حال، آثار تبعی حکم به قوت خود باقی خواهد بود.

تبصره: «احکام دادگاه های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت نامه های قانونی مشمول مقررات این ماده می باشد». هر چند در تبصره این ماده، شناسایی و اعتبار بخشیدن به احکام دادگاه های خارجی صرفاً در خصوص اتباع ایرانی و در چارچوب مرور زمان و موافقت نامه های فی ما بین محدود شده است، لکن از این نظر که نتیجه این پذیرش، ممنوعیت تعقیب، محاکمه و مجازات مضاعف خواهد بود، واجد اهمیت است.

روی کرد اعمال مجازات مضاعف در برخی قوانین جزایی خاص مصوب در اوایل دهه ۸۰ شمسی نیز به چشم می خورد. از آن جمله، قانون گذار در ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق انسان^{۲۲} مقرر کرده است: «هر تبعه ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم موضوع این قانون شود، مشمول مقررات این قانون خواهد بود». بنابراین، قانون گذار در این قانون نیز بر موضوع سابق خود در مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی^{۲۳} و ماده ۵۷ آیین دادرسی کیفری^{۲۴} پافشاری کرده و بدین ترتیب از روی کرد مطلق ممنوعیت مجازات مضاعف فاصله گرفته است.

^{۲۱} - مصوب ۱۲۹۱ شمسی.

^{۲۲} . مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸.

^{۲۳} . مصوب ۱۳۷۰.

^{۲۴} . مصوب ۱۳۷۸.

موافقت نامه های قضایی منعقد شده با برخی کشورهای منطقه

با تصویب موافقت نامه های قضایی دو جانبه میان ایران و به ویژه دو کشور اسلامی منطقه، سوریه و کویت، با عناوین قانون موافقت نامه همکاری قضایی در زمینه های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه^{۲۵} و قانون موافقت نامه همکاری های حقوقی و قضایی در امور مدنی، تجاری، احوال شخصیه و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت^{۲۶}، تغییراتی در موضع کلی قانون گذار صورت پذیرفت؛ به این ترتیب که در چارچوبی خاص و با وضع شروطی، احکام کیفری صادر شده از محاکم دولت کویت مورد شناسایی متقابل قرار گرفت و اجرای مجازات موضوع حکم دادگاه های خارجی متقابلاً با اعمال شرایطی به رسمیت شناخته شد. به ویژه ماده ۸۰ قانون موافقت نامه ایران و سوریه و ماده ۵۲ قانون موافقت نامه ایران و کویت،^{۲۷} نمونه های بارزی از توجه قانون گذار به موضوع منع محاکمه و مجازات مجدد هستند. بنابراین در قبال احکام صادر شده از دادگاه های این دو کشور به عنوان کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، موضع قبلی خود را تعدیل کرد؛ ضمن این که مطابق ماده ۸۰ موافقت نامه مذکور (ایران و سوریه) که در فصل سوم از بخش پنجم موافقت نامه با عنوان «اجرای حکم» بیان شده، طرفین مقرر می دارند: «احکام صادر شده در کشور صادر کننده حکم، همان آثار قانونی را در مقررات کیفری کشور اجرا کننده حکم دارد و برای کشور اجرا کننده حکم جایز نیست که علیه محکوم علیه هیچ گونه تحقیقات یا محاکمه ای که در خصوص جرم وی حکم محکومیت صادر شده باشد اعمال نماید، مگر در مواردی که در کشور اجرای حکم در مقررات کیفری استثنا شده باشد». همچنین ذیل ماده ۷۹ موافقت نامه مذکور در خصوص اعتبار حکم صادر شده از دادگاه خارجی مقرر شد: «... جایز نیست که در اجرای حکم محکومیت در کشور اجرا کننده حکم علیه محکوم علیه، نسبت به اساس حکم خدشه ای وارد شود». باید توجه داشت که احکام و تصمیمات قضایی کیفری صادر شده از دادگاه های خارجی در قلمرو کشور دیگر، ممکن است دو اثر و اعتبار را به همراه داشته باشند: اول اعتبار ایجابی یا مثبت و دوم اعتبار سلبی یا منفی. اعتبار ایجابی یا مثبت^{۲۸} حکم دادگاه خارجی، از یک سو اثر الزام آور و لازم الاجرای حکم است که مستلزم اجرای مفاد احکام و متعاقباً اعمال و توجه به آثار مستقیم و غیر مستقیم حکم، از جمله تکرار جرم، تعلیق مجازات، مجازات ها و محرومیت های تبعی و... است. اعتبار سلبی یا منفی^{۲۹} حکم نیز اثر بازدارنده تصمیمات قضایی است که مانع از محاکمه و مجازات مجدد متهم برای همان جرم می شود. لکن دولت ها معمولاً قسمت اول از اعتبار ایجابی را در قلمرو سرزمینی کشور خود برای احکام کیفری دادگاه های خارجی قائل نمی شوند و مفاد احکام کیفری دادگاه های خارجی در قلمرو کشور دیگر اجرا نمی شود. دلیل این امر را می توان در حاکمیت ملی دولت ها و تعارض اعتبار مثبت احکام خارجی با حاکمیت مستقل کشورها جستجو کرد. برخی اظهارنظرهای اداره حقوقی قوه قضائیه^{۳۰} در این خصوص موید این نظر است.

^{۲۵} مصوب ۱۳۸۱/۴/۱۵.

^{۲۶} مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۲۹.

^{۲۷} - ماده ۵۲ قانون موافقت نامه همکاری های حقوقی و قضایی در امور مدنی، تجاری، احوال شخصیه و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سوریه مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۹: «طرف اجرا کننده حکم به محض قبول انتقال، تمامی اقدامات مربوط به تعقیب جزایی مربوط به همان جرم را که توسط مقامات قضایی صلاحیت دار شروع شده است، متوقف خواهد نمود. در مورد جرم موضوع انتقال، نسبت به اقامه دعوای کیفری علیه شخص انتقال یافته بر اساس مفاد این موافقت نامه یا محاکمه مجدد وی اقدام نخواهد کرد».

^{۲۸} - Autorite Positive

^{۲۹} - Autorite Negative

^{۳۰} - معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، مجموعه جرائم و مجازات ها، ص ۷۰

بنابراین، وضع مقرراتی به منظور به رسمیت شناختن برخی احکام صادر شده از دادگاه های جزایی سوریه در مورد جبران ضرر و زیان خصوصی و رد اموال به موجب قسمت دوم ماده ۳۱ موافقت نامه بین ایران و سوریه^{۳۱} و بند ۲ ماده ۱۹ موافقت نامه ایران و کویت^{۳۲} و لازم الاجرا تلقی کردن احکام قضایی صادر شده توسط مرجع قضایی یکی از دو کشور که مطابق موافقت نامه مذکور در کشور دیگر به رسمیت شناخته شده باشد، بر اساس مقررات اجرای احکام کشور درخواست شونده به موجب بند ۱ ماده ۳۶ موافقت نامه ایران و سوریه و قابل اجرا دانستن احکام کیفری صادر شده توسط یکی از طرفین در قلمرو طرف دیگر با شرایط احصا شده به موجب مواد ۴۶ و ۴۹ موافقت نامه ایران و کویت است. همچنین اعمال و اجرای تمام یا مدت باقیمانده مجازات موضوع حکم صادر شده از دادگاه کشور طرف موافقت نامه قلمرو سرزمینی جمهوری اسلامی ایران^{۳۳} ی مواد ۷۹ و ۸۰ موافقت نامه ایران و سوریه ولو علیه تبعه خود کشور مجری حکم به نوعی استثنای تلقی شده و خلاف سیاست و رویه قضایی و تقنینی معمول کشور ایران و اغلب کشورها به شمار می رود که با مقداری تمایز در عبارات، در هر دو موافقت نامه قابل مشاهده است. این در حالی است که موافقت نامه های منعقد با سایر کشورهای دو ست همجوار و غیر همجوار، از جمله موافقت نامه بین ایران و جمهوری قرقیزستان یا جمهوری آفریقای جنوبی^{۳۴} متضمن چنین مقرراتی نبوده، توافق طرفین حداکثر به معتبر شناختن و اجرای احکام کیفری قطعی و لازم الاجرای مربوط به ضرر و زیان ناشی از جرم یا اجرای مجازات نقدی، احکام ناظر بر جبران خسارات و اقدام در جهت کشف، محدود و مصادر کردن عایدات حاصل از ارتکاب جرم و ضبط منافع ناشی از فعالیت های مجرمانه (عواید جرم) و ابزار جرم محدود می شود.

نتیجه گیری

از مفاهیم و معیارهای بین المللی حمایت از حقوق بشر در دعاوی جزایی، قاعده «منع محاکمه و مجازات مجدد» است. برخورداری از مزایای این قاعده، برخاسته از ذهن عدالت خواهانه نوع بشر و منطبق با قاعده انصاف است. قانونگذار در مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که به ترتیب به اعمال جنبه های فاعلی (مثبت) و مفعولی (منفی) اصل صلاحیت شخصی مربوط می شوند، قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد را با محدودیت هایی پذیرفته است. مطابق قانون مزبور، این قاعده فقط به موقع اعمال صلاحیت شخصی در جرایم تعزیری و صرفاً در صورتی که شخص در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه قطعی یا محکوم و مجازات شده باشد، قابل اعمال است. به علاوه مطابق ماده ۵ مراجع قضایی ایران در مقام اعمال صلاحیت حمایتی در صورتی که شخص قبلاً به همان اتهام محاکمه و مجازات شده باشد، ملزم به محاکمه مجدد و کسر مجازات تحمل شده هستند. روشن نیست اگر مجازات اعمال شده در خارج بیشتر یا برابر با مجازات مقرر در قانون ایران باشد، تکلیف چیست. به نظر می رسد بهتر بود قانون گذار در ابتدا یا انتهای مواد مربوط به اصول صلاحیتی با ذکر دقیق موارد و شرایط این قاعده به صورت جامع در تمام موارد تعیین تکلیف می کرد. همچنین می توان مواردی را مطرح کرد که نشان دهنده تطابق قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد با موازین شرعی است.

^{۳۱} - ماده ۳۱: «هر یک از دو کشور طرف موافقت نامه، احکام صادر شده از دادگاه های کشور دیگر را در موضوعاتی مدنی، تجاری و احوال شخصیه که اعتبار قضیه محکوم بها را پیدا کرده باشد به رسمیت شناخته و مطابق مقررات این بخش به اجرا خواهد گذاشت. همچنین احکام صادره از دادگاه های جزایی را در مورد جبران ضرر و زیان خصوصی و در اموال به رسمیت می شناسد».

^{۳۲} - ماده ۱۹: «هر یک از طرفین متعاقد، احکام قطعی صادر شده از سوی دادگاه های طرف دیگر را در موارد زیر شناسایی و اجازه اجرای آن در سرزمین خود را خواهد داد: الف) احکام صادر شده در امور مدنی، تجاری و احوال شخصیه لازم الاجرا و قراردادهای مصالحه که... ب) احکام لازم الاجرای دادگاه های کیفری که درباره جبران خسارت یا برگرداندن اشیای ضبط شده می باشد».

^{۳۳} - قانون موافقت نامه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آفریقای جنوبی، مصوب ۱۳۸۶/۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی

در همین راستا و با توجه به فرضیه های پایان نامه می توان موارد زیر را به طور موردی در باب نتیجه گیری مطرح کرد:

۱. سیاست کیفری ایران در مورد اجرای احکام صادره از دادگاه های خارجی در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ موافق قوانین جزای بین الملل است. چرا که قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در حوزه حقوق صرفاً داخلی ایران، صریحاً مورد شناسایی قرار گرفته است و در قوانین داخلی و رویه قضایی و میثاق مدنی و سیاسی که دولت ایران به آن ملحق شده است، قابل ملاحظه است. قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب ایران در امور کیفری، اعتبار امر مختوم را موجب صدور قرار موقوفی تعقیب و در نتیجه منع تعقیب مجدد دانسته است. مواد ذکر شده در قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد بازنگری قانونگذار قرار گرفته است، در حوزه قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان و طبق ماده ۵ که در قانون سابق محکومیت مجرم مطلق بوده است اما در قانون جدید، هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات های تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می کند و این محاسبه اضافه و به انصاف نزدیک تر است.

۲. همچنین بند پ این ماده جایگزین بند ۳ ماده ۵ قانون سابق شده و در رابطه با جعل امضا و مقامات رسمی است ولی بند دیگری اضافه و مقام دیگر افزوده شده است. رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، در قانون سابق وجود نداشت، در بند ت، جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها نیز از مصادیق صلاحیت واقعی قرار گرفته است، که در قانون سابق جز صلاحیت واقعی نبود است.

در ماده ۷ قانون جدید قاعده منع مجازات مضاعف پذیرفته شده است. بدون شرط هر مجرم ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می شد، ولی در قانون فعلی، مجازات مشروط به وجود شرایطی مانند :

الف) رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب) جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

در ماده ۸ قانون جدید اصل صلاحیت شخصی را پذیرفته که در قانون سابق نبود طبق این قانون، هر شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران با شرایطی به جرم او رسیدگی می شود. لازم به ذکر است طبق نظریه مشورتی با توجه به ماده ۷ قانون مجازات اسلامی امکان محاکمه مجدد محکوم علیه ایرانی که در محاکم خارجی به اتهام زنا یا به عنف محکوم شده و مجازات را تحمل نموده است با در نظر داشتن اینکه مجنی علیه غیر مسلم و غیرایرانی است وجود دارد، زیرا ماده ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ناظر بر جرایم تعزیری است و به غیر آن تسری ندارد.^{۳۴} این نظریه دارای مخالفانی است و می توان به این ترتیب عدم تقابل قاعده با موازین شرعی را توضیح داد که عقیده رایج در مورد جرایم مستوجب مجازات های شرعی مثل حدود و قصاص آن است که در صورت اثبات این جرایم وجود شرایط مقرر شرعی، الزاماً باید مجازات های منصوص وارده در مورد آنها اجرا شود و نمی توان به بهانه محاکمه و احیاناً مجازات قبلی مجرم که در کشور خارجی مثلاً کشور محل وقوع جرم بر او تحمیل شده، از اجرای آن صرف نظر کرد. این در حالی است که امروزه تقریباً همه کشورهای جهان قاعده منع محاکمه مجدد را پذیرفته و حتی این قاعده بیش از آن که چهره حقوق جزای بین المللی

^{۳۴} نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۸۰۶ - ۲۶۴-۱۸۶-۹۲ در تاریخ ۹۲/۴/۳۱.

داشته باشد، چهره حقوق بشری به خود گرفته است و عدم توجه به این قاعده توسط جمهوری اسلامی ایران توالی فاسد زیادی را به همراه دارد.

اگرچه نباید با توجیه انعطاف پذیری احکام اسلامی و به هر بهانه ای از اجرای قوانین اسلامی سر باز زد، بلکه همواره اصل، اجرای دقیق احکام اسلامی است. اما نگاه سطحی به آموزه های اسلامی و نادیده انگاشتن جایگاه عقل و برخورد از سر تعبد با کلیه احکام اسلامی آفت بزرگی بر پیکر اسلام است.

با توجه به مطالبی که در متن پایان نامه هم به تفصیل ذکر شد، پذیرش کامل و بدون استثنای قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف نیز با مانعی از جانب شرع مواجه نیست و مبانی ای که موجب پذیرش این قاعده در حقوق جزای بین الملل شده، نه تنها مورد تأیید که مورد تأکید اسلام نیز هست. لذا می توان این قاعده را در کلیه جرائم و بدون استثناء نمودن جرائم با مجازات های منصوص شرعی تا جایی که مصلحت اقتضاء می کند، مورد پذیرش قرار داد.

۳- با این وجود به نظر می رسد قانون حدود که اجرای آن تعطیل بردار نیست و نیز قوانین قصاص از جمله تعارضات قوانین داخلی و موازین اسلامی با قاعده مذکور است و این نتیجه حاصل می شود که مرور قوانین و مقررات مصوب در ایران، نشانگر آن است در مواجهه با موضوع مجازات مضاعف در ادوار قانون گذاری، رویه و سیاست قضایی همگون و همسانی اتخاذ نشده و فراز و نشیب هایی مشاهده می شد، همان طور که عنوان شد ایران با الحاق به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی خود را پایبند به تعهدات بین المللی پیرامون موضوع کرده با توجه به ماده ۹ قانون مدنی، در حکم قانون داخلی است. پذیرش مطلق و بدون چهارچوب اصل مذکور، مطلوب و قابل توصیه نیست، موضوعی که کشورهای خارجی و اعضای اتحادیه اروپا به آن نیز تن در نداده اند. لکن نفی مطلق آن نیز به عمیق شدن تعارض ها و اختلاف نظرها میان موضع جامعه بین المللی و رویکرد حقوق داخلی می انجامد و به نقض حقوق متهم در فرایند دادرسی منتهی می شود. کاهش تعارض و ایجاد قرابت میان موضع اسناد بین المللی و فرا منطقه ای و قانون گذاری ایران، دست نیافتنی نیست، همچنان که قانون گذار در دهه هشتاد شمسی و با تصویب برخی موافقت نامه های قضایی ولو در سطح محدود و تصویب قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، گام هایی را نیز به این سمت و سو برداشته است. قانون گذار در قانون جدید مجازات اسلامی (بدلیل شمول آثار جرایم مستوجب حد به تعزیرات منصوص شرعی) این دسته از جرایم را از محدوده قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف خارج کرده است.

امید است که این تعارضات میان اسناد بین الملل و حقوق ایران کم رنگ تر شود و بیش از پیش حقوق متهم در فرایند دادرسی رعایت شده و متعهد به تعهدات بین الملل باشیم. ضرورت کمک به اصلاح و با اجتماعی شدن مجرم، باب جدیدی از معاضدت بین المللی در امور جزایی را فرا روی دولت ها گشوده است. در ایران و رای این نوآوری، تحولی شگرف نیز در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی صورت گرفته است که در نتیجه آن اعتبار سلبی و ایجابی احکام دادگاه های آن دسته از کشورهایی را که با آنها موافقت نامه انتقال محکومان دارد یا خواهد داشت در قلمرو خود می پذیرد انتقال محکومان تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران شده است. در واقع چنین موافقت نامه های تأیید ضمنی قاعده ممنوعیت محاکمه مجدد می باشد.

منابع

۱. پوربافرانی، حسن، فاطمه بیگی، حسن، اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در جرایم مستوجب مجازاتهای شرعی، ۱۳۹۲.
۲. خالقی، علی، «محتوا و جایگاه قاعده منع محاکمه مجدد در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، علوم جنایی مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۳. خالقی، علی؛ آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۴. سراس، اسامه، قانون نامه حمورابی، مترجم بهمن رازانی، مجله دادرسی، شماره ۱۶، مهر و آبان ۱۳۷۸.
۵. فضایی، مصطفی، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۷.
۶. فلاحیان، همایون، دیوان کیفری بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها، تهران، مجله ی کانون وکلا، شماره ۱۹۰، ۱۳۸۴.
۷. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۸. قانون موافقت نامه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آفریقای جنوبی، مصوب ۱۳۸۶/۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی
۹. معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، مجموعه جرائم و مجازات‌ها.
۱۰. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۸۰۶ - ۳۶۴-۱۸۶-۹۲ در تاریخ ۹۲/۴/۳۱.